

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۱۸ جولای ۲۰۲۲



شریف منصور

زندگینامه حضرت محمد مصطفی (ص)

(بخش دوازدهم)

پیامبر (ص) مدتی پس از تسخیر دژهای بنی قریظه، برای آن که انتقام خون یارانش را از بنی لحيان بگیرد، با دویست نفر رهسپار مواوی آن ها شد. [۱] پیامبر برای آن که بنی لحيان به قصد آن حضرت پی نبرند و فرار نکنند، وانمود کرد که قصد دارد به شام برود، با وجود آن بنی لحيان باخبر شدند که پیامبر برای گرفتن انتقام می آید، به همین خاطر بدون اندک مقاومتی فرار کردند و به قله های کوهپایه ها پناه بردند. [۲] پیامبر گروه هائی را برای ردیابی آن ها به گوشه و کنار آن سرزمین فرستاد اما مأموران پیامبر به کسی برخورد نکردند. پس از آن پیامبر به عسفا ن رفت تا با این حرکت قریشی ها را بترساند و بعد به مدینه بازگشت. [۳]

قبلا گفتیم که بنی لحيان با حيله و نیرنگ و به کمک قبایل عضل و قاره یاران پیامبر را به منطقه رجع کشانده و چند تن از آن ها را به شهادت رساندند و بقیه را به قریش فروختند که آن ها هم تا زمانی که پیامبر در عسفا ن بود زنده بودند [۴] و پس از آن که پیامبر از عسفا ن به مدینه بازگشت و آن ماه که یکی از ماه های حرام بود (و همانطور که گفتیم اعراب خونریزی را در آن ماه حرام می دانستند) به پایان رسید، به وسیله قریش به شهادت رسیدند. مدتی پس از بازگشت پیامبر، عیینه بن حصن با چهل نفر از مردان بنی غطفان برای غارت گله های شتر ساکنان مدینه به غابه، منطقه ای در نزدیکی مدینه یورش بردند. ساربانات در ابتداء شتران پیامبر را برای چرا به منطقه بیضا و اطراف آن می بردند اما زمانی که علف های آن مراتع خشک شد ساربانات مجبور شدند که آن ها را به منطقه غابه (در نزدیکی مدینه) ببرند که در نزدیکی محل سکونت عیینه و وابستگان او بود.

پیامبر از مدت ها قبل از وقوع چنین حادثه ای نگران بود به همین خاطر زمانی که حضرت ابوذر یکی از یاران پیامبر، از ایشان اجازه خواست که مسوولیت چراندن شتر های پیامبر را به عهده بگیرد پیامبر موافقت نکرد و نگرانی

اش از جانب عینه را با او در میان گذاشت ولی ابوذر همچنان اصرار کرد تا پیامبر پذیرفت و ابوذر به همراه زن و فرزندش به غابه رفت. عینه و همراهانش همانطور که گفتیم به غابه حمله کردند. پسر حضرت ابوذر در برابر آن ها مقاومت کرد و کشته شد و عینه همسر ابوذر را با گله شتران پیامبر را دزدید. [۵]

پیامبر پس از اطلاع از این موضوع، سپاه اسلام را فراخواند و گروهی از آن ها را که آماده شده بودند به دنبال بنی غطفان فرستاد و خودش هم پس از مهیا شدن بقیه به دنبال آن ها رفت. [۶] مسلمانان پس از تعقیب و گریز و زد و خورد با بنی غطفان موفق شدند که ۱۰ تا از ۲۰ شتری که بنی غطفان دزدیده بودند را از آن ها پس بگیرند. [۷] در این حادثه همانطور که گفتیم یک نفر از مسلمانان به شهادت رسید. از بنی غطفان چهار نفر کشته شدند [۸] و بقیه آن ها توانستند که فرار کنند. همسر حضرت ابوذر هم توانست که با یکی از شترها از دست آن ها فرار کند و به مدینه برگردد، او عهد بسته بود که پس از رسیدن به مدینه، شتری را که با آن فرار کرده بود، قربانی کند اما پیامبر اجازه نداد و فرمود: پاداشی بدی می دهی به این شتر، که تو را نجات داد و به مدینه بازگرداند، می خواهی [در ازاء این که تو را نجات داد] او را بکشی؟ برو که این نذری که تو کرده ای درست نیست. [۹]

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

- ۱-مغازی، ج اول، ص ۴۰۵
- ۲-سیره رسول خدا، ص ۳۸۷
- ۳-طبقات، ج دوم، ص ۷۷
- ۴-مغازی، ج دوم، ص ۴۰۶
- ۵-مغازی، ج دوم، ص ۴۰۷-۴۰۸
- ۶-سیره رسول خدا، ص ۳۸۷-۳۸۸
- ۷-مغازی، ج دوم، ص ۴۱۰
- ۸-همان، ص ۴۱۵
- ۹- سیره رسول خدا، ص ۳۸۸-۳۸۹